

بررسی علل مهاجرپذیری و حاشیه‌نشینی در شهر کرج

زهرا مهرشاد^۱، حمید عظیمی^۲

از صفحه ۹ تا ۳۴

دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۴

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۲

چکیده

هرگاه منطقه‌ای با رشد بی‌رویه مهاجرت و در نتیجه آن، گسترش حاشیه‌نشینی روبه‌رو شود آن جامعه گرفتار معضلاتی چند می‌شود که اهم آنها بالا رفتن میزان جرائم در آن جامعه است. جامعه مذکور به لحاظ فرهنگ، اقتصاد و امنیت وضعیت چندان مساعدی نخواهد داشت و چنانچه هیچ اقدام جدی به منظور بهبود این وضعیت صورت ندهد آینده روشنی نخواهد داشت.

غایت این تحقیق، بررسی علل مهاجرپذیری در شهر کرج و شناسایی مناطق حاشیه‌نشین کرج و علل شایع جرم در این مناطق است. روش تحقیق حاضر بر اساس روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است که در آن به بیان تئوری‌های مختلف از جانب نظریه‌پردازانی مطرح در حوزه مزبور پرداخته شده است.

کرج نمونه بارز کلانشهری است که پیرو برخی عوامل، سیل عظیمی از مهاجران را در خود پذیرفته و در پی آن با معضل حاشیه‌نشینی مواجه شده است. بررسی این عوامل و کند و کاو در آنها می‌تواند مسئولان مربوطه را در بهبود بخشیدن این مهم یاری رساند.

راهکار مشکلات شهر کرج از طرفی وابسته به اقداماتی گسترده، فراتر از مرزهای این شهر است و از طرف دیگر با کاردانی و دلسوزی بیشتر مسئولان شهر کرج رابطه مستقیمی دارد.

واژگان کلیدی: مهاجرت، حاشیه‌نشینی، جرم، فرهنگ، اقتصاد، امنیت.

۱. کارشناسی‌ارشد فلسفه و کلام اسلامی، مدرس دانشگاه

۲. کارشناسی‌ارشد حقوق بین‌الملل، مدرس دانشگاه

بیان مسئله:

سیمای یک جامعه عاری از جرم برای هر انسانی در هر ازمنه و امکانه شاید بیشتر شبیه به یک رؤیا باشد تا واقعیت؛ اما این حقیقت جای تأمل دارد که برخی جوامع نسبت به برخی دیگر کمتر شاهد انواع اعمال مجرمانه هستند. غالباً پیروی ما انسان‌ها از قواعد و هنجارهای اجتماعی معلول اجتماعی شدن است که در جریان آن، هر کدام از ما یک حس هویت شخصی و توانایی اندیشه و عمل می‌یابیم (گیدنز، ۱۹۸۹: ۱۱۴ و ۱۵۱).

اینکه تا چه اندازه فرایند جامعه‌پذیری بر ابعاد شناختی و عملی زندگی ما نقش دارد باید نگاهی دقیق به کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی داشته باشیم.

یکی از دلایلی که جامعه‌ای با انبوهی از جرائم روبه‌رو می‌شود، عدم‌رضایت شخصی است. در صورتی که اکثریت جامعه زندگی خود را تهی از ارضای شخصی ببیند احتمال بروز رفتارهای انحرافی و ویرانگر افزایش خواهد یافت (همان: ۱۸۷). عمدتاً خلأها و عقده‌های روحی و روانی که در زندگی یک مجرم یا بزهکار پدید می‌آید حاصل نبود امکانات اولیه اجتماعی در محیط زندگی او و به عبارتی فقر است. بطور معمول، افراد فقیر کسانی هستند که یا مشاغل متزلزل دارند یا به طور کلی بیکارند. همچنین خانواده‌های پرجمعیت و تک‌سرپرست را نیز می‌تواند شامل شود (همان: ۲۷۱).

در نتیجه، مواجه شدن با چنین بحرانی، فرد یا خانواده درصدد چاره‌جویی برمی‌آید و غالباً تنها راه نجات خود را در مهاجرت می‌یابد. متأسفانه روستایی‌ها از جوامعی است که چهره فقر را به وضوح می‌توان در آن دید؛ دهقانان و روستاییان به علت نبود این امکانات در نواحی روستایی و همچنین مزایا و جذابیت‌های آشکار شهرها، تصمیم به مهاجرت به نواحی شهری می‌گیرند (همان: ۶۰۴). اما باید توجه داشت که همه محلات یک شهر به لحاظ امکانات اجتماعی با هم یکسان نیستند. مهاجران به محله‌ای مهاجرنشین هجوم می‌برند که در حاشیه شهرها مانند قارچ رشد می‌کنند؛ خصوصاً در کشورهای جهان سوم که معمولاً مهاجران در جایی که حاشیه گندابی^۱ نواحی شهری نام دارد ساکن می‌شوند (همان: ۶۲۲).

واژه حاشیه‌نشینی یا حومه، در اصل از اصطلاح لاتینی «*sub urbe*» به معنای زیرنظارت شهر گرفته شده است. آنها به سکونتگاه‌هایی اطلاق می‌شوند که برای وسایل آسایش و معیشت خود به مراکز شهری وابسته هستند. اخیراً این واژه برای اشاره به هر ناحیه ساخته شده مجاور یک شهر بزرگ به کار می‌رود (همان: ۶۱۵). تبعیض و اختلاف زیاد در میان محلات شهری از جمله عوامل اصلی نرخ بالای جرایم در مناطق حاشیه‌نشین می‌باشد؛ چراکه باندهای بزهکار، موقعیت فرودست خود را نتیجه قوانین و نظم اجتماعی تشخیص می‌دهند و بر این اساس، سعی در تحقق ارزش‌های مخالف خاص خودشان را دارند (همان: ۱۶۱).

از آنجا که ساکنان مناطق حاشیه‌نشین، مهاجرانی از قومیت‌های مختلف با تعصبات و ویژگی‌های متفاوت هستند، تعامل و برخورد هر کدام از آنها با یکدیگر و همچنین با مردم مرکز شهر، تهدیدی نسبت به امنیت جامعه و فرهنگ ملی به حساب می‌آیند (همان: ۳۰۹). در این خصوص شوربختانه کرج نیز به عنوان یک کلانشهر مهاجرپذیر، دستخوش بعضی نابخردی‌ها و نامهربانی‌ها شده، که در نتیجه‌ی آن، قربانی آماج سهمگین جرم و تباهکاری شده و آن را به مثابه میزبانی خوب برای مجرمان معرفی کرده است. جالب توجه است که برخی محققان به این مهم پرداخته‌اند. برای نمونه حبیب احمدی و علی عربی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای رابطه حاشیه‌نشینی و بزهکاری در مناطق حاشیه‌نشین و شهری کرج» با روش پیمایش اجتماعی، جامعه آماری پژوهش خود را ساکنان ۱۸ تا ۳۵ سال شهر کرج در سال ۱۳۹۰ قرار دادند. آنها ۳۰۱ نفر را با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب کرده و با استفاده از پرسشنامه، داده‌های لازم را جمع‌آوری کردند و یافته‌های آنها حاکی از آن است که با توجه به اینکه حدود نیمی از پاسخگویان (۵۲/۵) در مناطق شهری و (۴۷/۲) در مناطق حاشیه‌نشین ساکن بوده‌اند و نیز (۴۳/۹) جامعه نمونه را مردان و باقی (۵۶/۱) را زنان تشکیل داده‌اند، مشخص می‌شود که ساکنان مناطق حاشیه‌نشین از سطح تحصیلات و درآمد پایین‌تری نسبت به مناطق شهری برخوردار بوده‌اند. همچنین معلوم می‌شود که تنوع قومیتی در مناطق حاشیه‌ای در مقایسه با مناطق شهری، به مراتب بالاتر است. در مورد جرائم نیز مطالعات نشان می‌دهد آمار بزهکاری خصوصاً خرید و فروش موادمخدر در مناطق حاشیه‌نشین، بیش از دو برابر آن در مناطق شهری است. آنچه ضرورت و اهمیت این تحقیق را آشکار می‌کند این است که با عنایت به اینکه کرج در زمره کلانشهرهایی است که با مهاجرت‌های بی‌رویه از اقصی نقاط کشور و به

دنبال آن با پدیده حاشیه‌نشینی مواجه است، هر روز شاهد بیشتر شدن فاصله طبقاتی بین غنی و فقیر (مردم مرکز شهر و مردم حاشیه‌نشین) و در پی آن گسترش ناهنجاری‌ها و جرائمی چون اعتیاد، سرقت، نزاع و درگیری‌های خیابانی، قاچاق کالا، تجاوز به عنف، تن‌فروشی و ... هستیم. شایان ذکر است علیرغم همه این مشکلات، امنیت و آرامش مطلوب به لطف تلاش‌ها و مجاهدت‌های شبانه‌روزی ارگان‌های ذیربط برقرار است و این البته جای تقدیر و تشکر دارد؛ اما بنظر می‌رسد ادامه این روند در آینده، ایجاد و حفظ امنیت را در این کلانشهر با مشکل مواجه کند؛ چراکه این مشکلات از یک سو پروسه خدمات‌رسانی و تأمین امکانات شهری را مختل کرده و از سوی دیگر ثبات و حفظ امنیت این استان را به مخاطره انداخته است. موارد یادشده از دغدغه‌های اصلی مسئولان متعهد و مردم شهر کرج است. بر این اساس، تمام تلاش این پژوهش بر ارائه راهکارها و تمهیدات اساسی برای مقابله با این معضلات معتنا به و درمان آنها استوار است.

اهداف اصلی و فرعی تحقیق:

هدف اصلی: بررسی علل مهاجرپذیری شهر کرج

هدف فرعی: شناسایی مناطق حاشیه‌نشین کرج و علل شایع جرم در این مناطق

سؤالات اصلی و فرعی تحقیق:

سؤال اصلی: آیا حاشیه‌نشینی و افزایش جرم در کرج معلول مهاجرپذیری آن است؟

سؤال فرعی اول: آیا نبود زیرساخت‌های مناسب و عدم ارائه خدمات اجتماعی اولیه در

مناطق حاشیه‌نشین باعث افزایش و گسترش جرم در این مناطق می‌شود؟

سؤال فرعی دوم: آیا وجود چندین زندان بزرگ در شهر کرج از علل مهاجرپذیری و

در نتیجه شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و افزایش جرائم در این شهر است؟

فرضیه‌های تحقیق:

۱. چنین به نظر می‌رسد که یکی از علل جرم‌خیزی کرج، مهاجرت‌های بی‌رویه بدون داشتن پتانسیل و امکانات شهری در این کلانشهر است.
۲. گمان می‌رود که عدم‌ساماندهی مناسب امکانات و ملزومات شهری در مناطق حاشیه‌نشین شهر کرج یکی از عوامل افزایش جرم می‌باشد.
۳. حدس قوی این است که وجود چهار زندان در یک شهر نه چندان وسیع، یکی دیگر از علل حاشیه‌نشینی و آمار بالای جرائم در آن می‌باشد که طبیعتاً تبعات منفی به دنبال دارد.

روش تحقیق:

این تحقیق مبتنی بر یافته‌های کتابخانه‌ای است که ادبیات و سوابق مسئله و موضوع تحقیق در آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

ضرورت و اهمیت تحقیق:

آنچه ضرورت و اهمیت این تحقیق را آشکار می‌کند این است که با عنایت به اینکه کرج در زمره کلانشهرهایی است که با مهاجرت‌های بی‌رویه از اقصی نقاط کشور و به دنبال آن با پدیده حاشیه‌نشینی مواجه است هر روز شاهد بیشتر شدن فاصله طبقاتی بین غنی و فقیر (مردم مرکز شهر و مردم حاشیه‌نشین) و در پی آن گسترش ناهنجاری‌ها و جرائمی چون اعتیاد، سرقت، نزاع و درگیری‌های خیابانی، قاچاق کالا، تجاوز به عنف، تن‌فروشی و... هستیم.

شایان ذکر است علیرغم همه این مشکلات، امنیت و آرامش مطلوب به لطف تلاش‌ها و مجاهدت‌های شبانه‌روزی ارگان‌های ذیربط برقرار است و این البته جای تقدیر و تشکر دارد؛ اما بنظر می‌رسد ادامه این روند در آینده ایجاد و حفظ امنیت را در این کلانشهر با مشکل مواجه کند؛ چراکه این مشکلات از یک سو پروسه خدمات‌رسانی و تأمین امکانات شهری را مختل کرده و از سوی دیگر ثبات و حفظ امنیت این استان را به‌مخاطره انداخته است.

موارد یادشده از دغدغه‌های اصلی مسئولان متعهد و مردم شهر کرج است. بر این اساس، تمام تلاش این پژوهش بر ارائه راهکارها و تمهیدات اساسی برای مقابله با این معضلات معتنا به و درمان آنها استوار است.

ادبیات و پیشینه تحقیق:

حبیب احمدی و علی عربی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای رابطه حاشیه‌نشینی و بزهکاری در مناطق حاشیه‌نشین و شهری کرج» با روش پیمایش اجتماعی، جامعه آماری پژوهش خود را ساکنان ۱۸ تا ۳۵ سال شهر کرج در سال ۱۳۹۰ قرار دادند. آنها ۳۰۱ نفر را با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب کرده و با استفاده از پرسشنامه، داده‌های لازم را جمع‌آوری کردند.

یافته‌های آنها حاکی از آن است که با توجه به اینکه حدود نیمی از پاسخگویان (۵۲/۵) در مناطق شهری و (۴۷/۲) در مناطق حاشیه‌نشین ساکن بوده‌اند و نیز (۴۳/۹) جامعه نمونه را مردان و (۵۶/۱) باقی را زنان تشکیل داده‌اند مشخص می‌شود که ساکنان مناطق حاشیه‌نشین از سطح تحصیلات و درآمد پایین‌تری نسبت به مناطق شهری برخوردار بوده‌اند. همچنین معلوم می‌شود که تنوع قومیتی در مناطق حاشیه‌ای در مقایسه با مناطق شهری به مراتب بالاتر است. در مورد جرائم نیز مطالعات نشان می‌دهد آمار بزهکاری خصوصاً خرید و فروش مواد مخدر در مناطق حاشیه‌نشین بیش از دو برابر آن در مناطق شهری است.

داریوش رحمتی و علیرضا صالحی (۱۳۹۲) در طرح تحقیقاتی خود با عنوان «ویژگی‌های فرهنگی محیط حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر نظم و امنیت» با استفاده از روش میدانی، ویژگی‌های فرهنگی مناطق حاشیه‌نشین و اثرات و پیامدهای منفی اجتماعی، سیاسی و امنیتی آن بر مقوله نظم و امنیت را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

یافته‌ها و برآیند این طرح، ارائه راهبردهای سه‌گانه زیر است:

۱. پیشگیری و ممانعت جدی از ایجاد شهرک‌ها و مناطق حاشیه‌نشین جدید در تمامی استان.

۲. جلوگیری از توسعه و گسترش مناطق حاشیه‌نشین موجود با اتخاذ تدابیر و تمهیدات لازم در مرحله اول و محدود کردن این مناطق در مرحله بعدی.

۳. مدیریت و ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین موجود بر اساس ویژگی‌ها و شرایط هر منطقه با همکاری و هماهنگی همه دستگاه‌ها، ادارات و ارگان‌های استان.

مبانی نظری

مهاجرت^۱:

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد (امانی و دیگران، ۱۳۵۴: ۷۱). رولان پراسا^۲، جمعیت‌شناس فرانسوی، مهاجرت را حرکات افراد یا گروه‌هایی می‌داند که تغییر دائمی یا طولانی‌مدت از محل اقامت خود دارند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۵ و ۶).

همچنین مهاجرت به تغییر محل اقامت برای مدتی بیش از یک سال اطلاق می‌شود (صالحی، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

برای مهاجرت انواع مختلفی ذکر شده است که عبارتند از: مهاجرت‌های فردی و گروهی، مهاجرت‌های ارادی و اجباری، مهاجرت‌های داخلی و خارجی، مهاجرت‌های قانونی و غیرقانونی (محسنی، ۱۳۸۷: ۱۶۲ و ۱۶۳).

مهاجرت به دلایل گوناگونی از جمله ناکافی بودن عرضه مواد غذایی در یک منطقه خاص، تعقیب و آزار عقیدتی یا سیاسی، خصومت‌های قومی و ملی صورت می‌گیرد (کوئن، ۱۹۳۸: ۲۸۴). یکی از مسائلی که جامعه جهانی امروز با آن روبه‌رو است، مهاجرت از روستاها به شهرها و در پی آن گسترش شهرنشینی است. گسترش شهرها در نتیجه افزایش جمعیت و نیز مهاجرت غیر شهرنشینان از مزرعه‌ها، روستاها و شهرک‌های کوچک پدید آمد (گیدنز، ۱۹۸۹: ۶۰۴). با انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های عمده در زمینه تکنولوژی کشاورزی نیاز به نیروی انسانی در روستاها کاهش یافت و در نتیجه آن روستاییان جویای کار به شهرها سرازیر شدند (کوئن، ۱۹۳۸: ۳۰۶).

تفاوت زندگی در شهر و روستا از یک طرف و در پایتخت و سایر شهرها از طرف دیگر موجب مهاجرت گسترده از روستاها به مراکز شهری بزرگ و از استان‌های مختلف به پایتخت شده و

1 .Migration
2 .Roland Pressat

در نتیجه موجب رشد بیش از حد جمعیت در شهرهای بزرگ می‌شود. طبیعتاً یافتن شغل و کسب درآمد بیشتر، استفاده از امکانات آموزشی، بهداشتی و تفریحی جزو انگیزه‌های عمده مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به پایتخت و شهرهای بزرگ است (همان: ۲۸۵).

پدیده شهرنشینی از ویژگی‌های اصلی عصر ماشینیسم و تولید صنعتی است. پیشرفت در صنعت، مهاجرت و افزایش جمعیت را به دنبال دارد و این به معنای نیازمندی‌های اقتصادی و اجتماعی ویژه‌ای در شهرهای بزرگ است (شیخاوندی، ۱۳۸۴: ۳۱۶ و ۳۱۷). افراطی‌ترین شکل زندگی شهری امروز در آنچه بعضی آن را کلانشهر یا شهر شهرها نامیده‌اند مشهود است. این اصطلاح در اصل در یونان باستان برای اشاره به یک دولت‌شهر «*city-state*» ابداع گردید؛ اما در کاربرد امروزی هیچگونه رابطه‌ای با آن رویایی که بنا بود مایه رشک همه تمدن‌ها شود، ندارد (گیدنز، ۱۹۸۹: ۶۰۳).

مهاجرت‌های بی‌رویه و رشد قارچ‌گونه شهرها هشدار جدی برای جوامع بشری محسوب می‌شود.

جامعه‌شناسانی از قبیل دورکیم^۱، رد فیلد^۲، ورث^۳ و تونیس^۴ در اوایل قرن بیستم طی مطالعاتشان به این نتیجه رسیدند که گذار از شیوه زندگی روستایی به زندگی شهری عواقب نامطلوب بسیاری به بار می‌آورد و جامعه را دچار هرج و مرج می‌کند (کوئن، ۱۹۳۸: ۳۰۸).

حاشیه‌نشینی^۵:

یکی از مشکلاتی که شهرهای بزرگ و پرجمعیت با آن روبه‌رو است مسئله مسکن است که با هجوم روستاییان به شهرها تشدید می‌شود. ورود روستاییان به شهرها لاجرم بالا رفتن درصد اجاره‌نشینی و اجاره‌بها را به دنبال دارد و در صورتی که روستاییان، خود بخواهند اقدام به ساختن مسکن نمایند مناطق حاشیه شهرها را که از نظر قیمت ارزان‌تر است برگزیده و سبک معماری

1 .Dorkheim
2.Redfield
3 .Wirth
4 .Tonnies
5 .Marginality

روستایی را بدون هیچ ضابطه‌ای مبنای کار قرار می‌دهند که این خود به ناهماهنگ بودن چهره و بافت شهری کمک می‌کند.

از مهمترین پیامدهای جریان مزبور می‌توان به پدیده زاغه‌نشینی، رشد مناطق حاشیه‌نشینی و مسکن فقیر و غیر استاندارد اشاره کرد (محسنی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

حاشیه‌نشینی یا زاغه‌نشینی اصطلاحی است که به محله‌های مسکونی غیرمتعارف و متداول شهری اطلاق می‌شود. این مناطق، ساختمان یا بخشی از شهر هستند که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی مانند سیل و زلزله مشهود است. حاشیه‌نشینی در شهرهایی رشد می‌کند که پذیرای جمعیت مازاد در بافت اصلی خود نیستند و از سر فقر و ناچاری به این مناطق پناه می‌آورند و به کارهای غیر تولیدی کشانده می‌شوند (ستوده، ۱۳۱۹: ۷۶ و ۷۷).

مسکن فقیر در ایران به نام‌های مسکن غیرمتعارف، مسکن نابهنجار، مسکن غیراستاندارد، آلونک‌نشینی، حلبی‌آبادها و حاشیه‌نشینی مشهور است. این افراد کسانی هستند که در شهر سکونت دارند و بنا به دلایلی نتوانسته‌اند خود را با فرهنگ شهری سازگاری دهند و از خدمات و امکانات شهری استفاده کنند (محسنی، ۱۳۸۷: ۱۳۲). طبق پژوهش‌هایی که در دهه ۷۰ انجام گرفت علل رشد مسکن فقیر و غیرمتعارف و در نتیجه آن، گسترش حاشیه‌نشینی بررسی شد که در زیر به برخی از این عوامل اشاره می‌شود:

۱. فقر مالی خانواده
۲. ارزان بودن بهای مسکن
۳. وجود زمین‌های باز و نامشخص بودن وضعیت تصرف
۴. عدم آشنایی با فرهنگ شهری
۵. اسکان اقوام و خویشاوندان در سکونت‌گاه‌های غیرمتعارف
۶. پایین بودن میزان اجاره‌خانه
۷. بالا بودن بعد خانوار
۸. فقدان مقررات خانه‌سازی و شهرسازی
۹. مهاجرت شتابان
۱۰. صنعتی شدن (همان: ۱۴۰-۱۴۲).

جرم^۱:

جرم، پدیده‌ای اجتماعی و جهانی است که تحت عناوینی چون سرپیچی، سرکشی، رفتار انحرافی و ناپسند وجود دارد و مقارن با آغاز خلقت بشر است. جرم، عملی است که برخلاف یکی از موارد قانون مجازات عمومی هر کشور باشد و مجرم کسی است که در زمان معینی عمل او برخلاف مقررات قانون رسمی کشور باشد (ستوده، ۱۳۱۹: ۶۴ و ۶۵).

«مان»^۲ نیز جرم را عملی می‌داند که منجر به نقض قانون می‌شود. همچنین می‌توان جرم را عملی دانست که به رفاه عمومی آسیب می‌رساند (محسنی، ۱۳۸۷: ۳۰).

با نظر به اینکه ماهیت و محتوای رفتار مجرمانه از گذشته تاکنون و از یک جامعه تا جامعه دیگر متفاوت است (گیدنز، ۱۹۸۹: ۱۵۵) قانون جزا، جرم و جنایت را به سه مقوله بزرگ تقسیم می‌کند:

الف) جرائم علیه اشخاص: مثل قتل عمد و غیرعمد، مسموم کردن، ضرب و جرح و تجاوز

جنسی

ب) جرائم علیه اموال: مثل سرقت، آتش‌سوزی و انفجار

ج) جرائم علیه امنیت و نظم عمومی: مثل جعل اسناد، جعل پول و وندالیسم (محسنی،

۱۳۸۷: ۳۲ و ۳۳).

باید توجه داشت که مطلق زندگی در شهر منجر به انحراف یا آسیب رفتار نمی‌شود بلکه شرایط موجود در شهرها زمینه را برای پیدایش رفتار انحرافی فراهم می‌آورند (شیخاوندی، ۱۳۸۴: ۳۴۲).

«رابرت مرتون»^۱ معتقد است هرگاه در جامعه میان اهداف هنجاری و ارزشی و ابزارها و وسایل دسترسی به اهداف طراحی شده برای همگان تطابق وجود نداشته باشد مشکلات اجتماعی و رفتار انحرافی پدید می‌آیند (محسنی، ۱۳۸۷: ۳۷).

^۱. Crime

^۲. Mann

بررسی‌های جرم‌شناسی نشان می‌دهد هر جرمی دارای علل سازنده‌ای است که بر روی فرد اثر می‌گذارد و او را به سوی نابهنجاری و بزهکاری سوق می‌دهد. در ایران بزهکاری به کل جرائمی گفته می‌شود که در صورت ارتکاب، به موجب قوانین قصاص، دیات، حدود و تعزیرات دارای مجازات هستند (ستوده، ۱۳۱۹: ۷۱).

«لاکاساین»^۲ بزهکاری را یک میکروب اجتماعی می‌داند؛ به اعتقاد او این میکروب در محیطی بروز می‌کند که آمادگی پروراندن تبه‌کار وجود داشته باشد. به طور کل، محیط اجتماعی بر اثر عوامل مختلف در فرد اثر کرده و او را به طرف ارتکاب جرم می‌کشاند؛ این محیط‌های اجتماعی عبارتند از:

۱. محیط خانوادگی؛ که فرد بدون انتخاب و اراده خود در آن چشم به دنیا می‌گشاید و با تقلید از نسل مسن‌تر و تلقین‌پذیری از آنان و روش‌های مستقل خودی، شخصیت وی پی‌ریزی می‌شود. تحقیقات حاکی از آن است که محیط خانواده رابطه مستقیمی با بروز رفتار انحرافی و ارتکاب جرم دارد.

۲. محیط اتفاقی؛ که تشکیل‌دهنده مراحل خاصی از زندگی است و به سهم خود افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مانند مدرسه، کار و سرپازی.

۳. محیط انتخابی؛ که خود فرد انتخاب می‌کند. مانند همسر، محیط کار و دوستان.

۴. محیط تحمیلی؛ که در آن آزادی محدود شده است. مانند بازداشتگاه، ندامتگاه و کانون‌های اصلاح و تربیت (همان: ۷۳ و ۷۴).

صاحب‌نظران معتقدند آنچه که نام «محیط مجرمانه» به خود گرفته است در همه جای دنیا وجود دارد. بیشتر گانگسترها، گدایان، ولگردان، باج‌گیران، راهزنان و... با روابط کم و بیش نزدیکی که با محیط مجرمانه دارند از طریق جرم امرار معاش می‌کنند. اینان که خود را با معیارهای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند تطبیق نداده‌اند از نقاط ضعف آن برای کسب منافع خود بهره می‌جویند (محسنی، ۱۳۸۷: ۴۰ و ۴۱).

تاریخچه و موقعیت کرج:

^۱ Robert K. Merton

^۲ Lacassagne

شهرستان کرج در سال ۱۳۳۳ تأسیس شد. محدوده اولیه این شهرستان برابر با استان البرز کنونی بود تا اینکه شهرستان ساوجبلاغ در سال ۱۳۶۸ از کرج جدا شد. البته قلمرو اولیه شهرستان ساوجبلاغ علاوه بر قلمرو کنونی، شامل دو شهرستان نظرآباد و طالقان نیز می‌شد. در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۷ که استان البرز تأسیس شد، اشتهارد و فردیس نیز بخشی از شهرستان بودند، اما شهرستان اشتهارد در سال ۱۳۹۱ و شهرستان فردیس در سال ۱۳۹۲ از این شهرستان جدا شدند.

استان البرز از شمال به استان مازندران، از شرق و جنوب شرقی به استان تهران، از جنوب به استان مرکزی و از غرب به استان قزوین محدود است. استان البرز با مساحت ۵۱۴۲ کیلومتر مربع دارای ۶ شهرستان، ۱۷ شهر، ۱۳ بخش، ۲۹ دهستان و ۳۵۶ آبادی دارای سکنه است. شهرستان کرج، به عنوان مرکز استان البرز و جمعیتی بالغ بر ۲۴۱۳۰۴۱ نفر دارای ۲ بخش، ۶ دهستان، ۶ شهر و ۷۴ آبادی دارای سکنه است.

جدول ۱: بخش‌های شهرستان کرج

بخش مرکزی	بخش آسارا
شهرها: کرج، گرمدره، کمالشهر، ماهدشت، محمدشهر	شهرها: آسارا
دهستان‌ها: محمدآباد، کمال‌آباد، گرمدره	دهستان‌ها: آسارا، نساء، آدران

(پایگاه اطلاع‌رسانی استانداری البرز)

هزینه‌های بالای زندگی در پایتخت، بسیاری از مهاجران را ترغیب می‌کند که برای زندگی به کرج بیایند؛ در این صورت پدیده حاشیه‌نشینی در کرج، زیر سایه پایتخت روزبه‌روز افزایش می‌یابد و تبدیل به تهدید می‌شود. مهاجرت‌های بی‌رویه از روستا به شهر یکی از علل اصلی وقوع پدیده حاشیه‌نشینی است.

این پدیده تنها مختص ایران نیست. شرایط بد اقتصادی در روستاها و شهرهایی که از داشتن حداقل‌ها برای ایجاد زیرساخت‌های اشتغال محروم هستند باعث می‌شود که مردم، کوله‌بار برداشته و راهی شهرها شوند. در این میان نرخ هزینه‌ای زندگی در برخی مناطق حاشیه‌نشین برای مهاجران بسیار جذاب است.

کرج (ایران کوچک) پذیرای اقوام مختلف ایرانی از گوشه‌به‌گوشه کشور است. وجود فرهنگ‌های مختلف در این شهر نشان از حضور افرادی دارد که برای دستیابی به شرایط بهتر اقتصادی، کرج را مقصد نهایی خود برای زندگی انتخاب کرده‌اند. وجود کارخانه‌های بزرگ صنعتی و تولیدی، معادن و ... باعث شده که بسیاری از هموطنان، زندگی در این شهر را برگزینند.

آمار دقیقی از حاشیه‌نشینی در کرج وجود ندارد؛ تقریباً یک چهارم جمعیت شهری کرج در مناطق حاشیه‌نشین سکونت دارند که از آن جمله می‌توان به حصار، خرم‌دشت، اسلام‌آباد، مهدی‌آباد و ملک‌آباد اشاره کرد به علت پایین بودن سرانه‌های آموزشی و فرهنگی در مناطق حاشیه‌نشین، شهروندان در برخی موارد مرتکب جرم می‌شوند. به همین خاطر توجه به نیازهای شهروندانی که به هر دلیل مجبور به سکونت در این مناطق هستند حائز اهمیت است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۴/۲/۷).

کرج شهری در حصار زندان‌ها است. این شهر چهار زندان بزرگ کشور یعنی زندان کچویی، ندامتگاه مرکزی کرج، زندان رجایی‌شهر و زندان قزلحصار را در خود جای داده است.

استقرار خانواده زندانیان در مناطق نزدیک به زندان که با هدف دسترسی آنها به بستگان زندانی‌شان صورت می‌گیرد، حاشیه‌نشینی، افزایش جمعیت، بیکاری، افزایش جرائم خرد، تغییر هویت فرهنگی و هزاران مشکل دیگر را به دنبال داشته است از دیگر عواقب وجود زندان‌های متعدد می‌توان به افزایش نابسامانی‌های اجتماعی در این شهر اشاره کرد؛ چراکه بدون شک، خانواده‌های این زندانیان بارهای سنگینی بر دوش شهر محسوب می‌شوند که چاره‌ای جز تحمل آنها نیست. اما به نظر می‌رسد ادامه این وضعیت شهر کرج را دچار معضلات بغرنجی کند بدون شک تمام افرادی که در زندان‌های این شهر نگهداری می‌شوند بومی کرج یا استان البرز نیستند؛ بخش قابل توجهی از پرونده‌های جرائمی که در دادگستری البرز رسیدگی و برای آن حکم صادر می‌شود مربوط به افرادی است که از سایر استان‌ها به کرج مهاجرت کرده و در این شهر مرتکب جرم شده‌اند. بخش دیگری از زندانیان کرج از سایر زندان‌های کشور به این شهر منتقل می‌شوند علاوه بر این، از آنجایی که البرز شاهراه ارتباطی سایر استان‌ها است برخی مجرمان سایر استان‌ها بویژه در زمینه مواد مخدر در این استان دستگیر و پرونده آنان در دادگستری این استان تشکیل می‌شود (تابناک، ۱۳۹۲/۴/۱).

پیامدهای منفی مهاجرت‌های بی‌رویه و گسترش حاشیه‌نشینی: الف) فرهنگ^۱:

فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند. فرهنگ به مجموعه شیوه زندگی اعضای یک جامعه اطلاق می‌شود؛ چگونگی لباس پوشیدن، رسم‌های ازدواج و زندگی خانوادگی، الگوهای کار، مراسم مذهبی و سرگرمی‌های اوقات فراغت همه را در بر می‌گیرد (گیدنز، ۱۹۸۹: ۵۵ و ۵۶).

ارزش‌ها و هنجارهای رفتار، از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. هر فرهنگی الگوهای رفتار منحصر به خود را دارد که برای مردمی که از زمینه‌های فرهنگی دیگری هستند بیگانه می‌نماید (همان: ۶۲).

قومیت نیز به دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کند اطلاق می‌شود. اعضای گروه‌های قومی، خود را از نظر فرهنگی متمایز از گروه‌بندی‌های دیگر جامعه می‌دانند. حال جای این پرسش است که سیمای یک جامعه چند قومیتی چگونه خواهد بود؟

جوامع چندقومی، جوامعی هستند که در آنها چندین گروه‌بندی قومی بزرگ وجود دارد. ایالات متحده آمریکا از نمونه‌های بارز یک جامعه چند قومیتی است که اجتماعات مهاجری را از همه گوشه و کنار دنیا در خود جای داده است (همان: ۲۷۸).

از خصوصیات جوامع دارای چندگونگی فرهنگی، همزیستی اقوام و گروه‌های فرهنگی با یکدیگر است. این درحالی است که هر گروه تلاش می‌کند تا آداب و رسوم و شیوه‌های فرهنگی خویش را حفظ کند. در این نوع جوامع، ضریب تمایزات فرهنگی افزایش می‌یابد و هر اندازه تمایزات فرهنگی به تضادهای فرهنگی و رقابت بدل شود، احتمال جرائم و آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد (محسنی، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

بدیهی است الزاما مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت در افزایش جرائم و رشد آسیب‌های اجتماعی منطقه تأثیر نداشته بلکه کیفیت و شرایط حاکم بر آن باید با تأمل و دقت بررسی شود. در جوامعی که از سویی با رشد سریع مهاجران مواجه است و از سوی دیگر سیستم کنترل اجتماعی آنها تضعیف شده است، مهاجران نه تنها در دل فرهنگ میزبان جای نمی‌گیرند بلکه گروه‌های مختلف آن فرهنگ میزبان را به چند پاره تقسیم می‌کنند. در صورتی که یک جامعه به تنوع فرهنگی و بوم‌زدایی فرهنگی دچار شود، بی‌سازمانی اجتماعی و تعارض فرهنگی رشد می‌یابد. از این رو می‌توان اذعان نمود که میان مهاجرت، تعارض فرهنگی و بی‌سازمانی اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد. در چنین شرایطی افراد و گروه‌ها احساس می‌کنند کنترل اجتماعی غیررسمی بر رفتارشان برداشته شده است؛ به همین خاطر کمتر خود را در برابر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه مسئول می‌دانند و در نتیجه، پذیرای آسیب‌های اجتماعی می‌شوند (همان: ۱۶۴ و ۱۶۵). درحقیقت، ناکامی ناشی از شکاف میان اهداف، ضابطه‌ها و امکانات سبب می‌شود که تعهدات اجتماعی فرد در قبال هدف‌ها سست و منجر به شرایط بی‌هنجاری شود و این حالات در بین گروه‌های مهاجر و حاشیه‌ای بیشتر از گروه‌های غیرمهاجر دیده می‌شود (همان: ۱۷۰).

به طور خلاصه، فرهنگ مهاجر از یکسو تحت تأثیر گسترش فقر قرار گرفته و از غنا و کارآمدی آن کاسته می‌شود و از سوی دیگر به علت عدم‌سازگاری با محیط جدید به تشدید تضاد فرهنگی انجامیده و رابطه این دو عامل (فقر و تضاد فرهنگی) با افزایش نرخ آسیب‌های اجتماعی نیز منطقی به نظر می‌آید (همان: ۱۷۴).

ب) اقتصاد^۱ و تولید:

معضلات اقتصادی یکی از مسائلی است که در پی ورود مهاجران پدید می‌آید. وقتی نیروی انسانی غیر ماهر روستایی به شهر می‌آید، نمی‌تواند کاری جز شرکت در امور ساختمانی و مشاغل سطح پایین را برگزیند، به دنبال اشباع این امور به دستفروشی، دوره‌گردی، قاچاق و امثال آن روی می‌آورد. طبیعی است هنگامی که سطح پایین درآمد از یک طرف و کمبود مسکن و گرانی آن، اجازه دارا بودن سرپناه مناسب را ندهد، فرد مهاجر به حاشیه شهرها و فضاهای ناهنجار روی آورده و ساکن می‌شود. در نتیجه موجب توسعه فرهنگ حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی، آلونک‌نشینی و

^۱ Economy.

کپرنشینی می‌شود که در واقع بر بدنه فرهنگ مسکن و ساخت و ساز ضربه جدی وارد می‌کند (مشهدی‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۱۷).

مناطق مهاجرپذیر بویژه در جوامع در حال توسعه همراه با عدم‌رشد خدمات و مستقل از توسعه صنعت گسترش می‌یابد و موجب کاهش تولید و رشد بیکاری‌های پنهان و آشکار و جرائم شهری می‌شود (محسنی، ۱۳۸۷: ۱۶۹). فقر اقتصادی گروه‌های مهاجر، نه تنها آنها را به مشاغل کاذب و پست دعوت می‌کند، بلکه موجبات بروز مسائل حاد اجتماعی از قبیل سرقت، قاچاق مواد مخدر و جنایت را فراهم می‌سازد (همان: ۴۲). متأسفانه، وسعت دامنه فقر در دنیای معاصر به حدی است که جامعه‌شناسان از امکان وجود "فرهنگ فقر" سخن گفته‌اند. این اصطلاح در ابتدا برای توصیف افراد خیلی فقیری به کار رفت که بیکار بودند و در زاغه‌ها یا مناطق حاشیه‌ای زندگی می‌کردند (محسنی، ۱۳۸۶: ۹۰).

در حقیقت، فقر شرايطی است که در آن فرد در موقعیت بهره‌مندی از حداقل استاندارد نبوده و قادر به تأمین حداقل ضروریات زندگی نیست. باید دانست گذشته از اینکه فقر، به عنوان یک مفهوم نسبی منجر به بی‌سازمانی اجتماعی می‌شود، یک انحراف اجتماعی محسوب می‌شود. مفهوم فقر از آنجایی که با استانداردهای نیازهای فرد و جامعه در رابطه است از جامعه‌ای تا جامعه دیگر متفاوت است (Sharma.1995: 170 & 171).

از جمله ملاک‌هایی که در سنجش فقر مورد استفاده قرار می‌گیرد «خط فقر» است که مرز میان فقرا را با اغنیا نشان می‌دهد. خط فقر از طریق دو مفهوم نسبی و مطلق بیان می‌شود: خط فقر نسبی، درصدی را که در مرز معینی از درآمد قرار دارند مشخص می‌کند و خط فقر مطلق، بیانگر حداقل مقدار درآمد است (محسنی، ۱۳۸۶: ۹۰). از نگاه «هورتن»^۱ فقرا کسانی هستند که در حاشیه جامعه زندگی می‌کنند و بسیاری از آنها با مسائل و معلولیت‌های اجتماعی و یا بدنی مواجه هستند (همان: ۸۷). در واقع فقر، بیکاری و شرایط بد اقتصادی، از جمله عوامل جرم و بزهکاری هستند. فقر در فرد تهیدست، عقده حقارت ایجاد کرده و او را به کجروی‌های اجتماعی، بخصوص اعتیاد به مواد مخدر و حتی خودکشی دعوت می‌کند؛ از طرف دیگر فرد مزبور در چنین شرایطی جامعه را مسئول محرومیت و فقر خود می‌پندارد و نوعی حس انتقام‌جویی در او پرورش

می‌یابد (ستوده، ۱۳۱۹: ۷۹ و ۱۵۸). برای مثال، بیکاری از دو جهت در ازدیاد سرقت نقش دارد: یکی وجود فرصت‌های اضافی و خالی بودن اوقات فراغت و دیگر نداشتن درآمد کافی برای گذراندن زندگی (همان: ۱۶۰). برخی شواهد حاکی از آن است که بالاترین میزان خشونت خانوادگی و همچنین قتل در میان خانواده‌های کم‌درآمد و کارگران بدون مهارت یا کم‌مهارت اتفاق می‌افتد (Thio.1998: 112 & 57).

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت کارمزدی یا شغل، عنصر شکل‌دهنده‌ای در ترکیب روانی مردم و دور فعالیت‌های روزانه آنها است؛ بدون چنین درآمدی هر روزه اضطراب‌های مربوط به گذران زندگی افزایش می‌یابد (گیدنز، ۱۹۸۹: ۵۵۳). به نظر می‌رسد جوامعی مانند سوئد، فقر معیشتی را تقریباً به طور کامل حذف کرده‌اند. احتمالاً باید بهای اجتماعی آن را از طریق میزان زیاد مالیات‌ها و توسعه سازمان‌های بوروکراتیک حکومت پرداخت (همان: ۲۷۲).

ج) امنیت^۱:

امنیت مصدر جعلی یا صناعی فارسی است و به معنی ایمنی، آرامش و آسودگی است که در اصل از مصدر عربی «امن» اخذ شده و در زبان فارسی متداول شده است (لرنی، ۱۳۸۳: ۱۱). امنیت از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است: درونی و برونی، عینی و ذهنی، جغرافیایی، فردی و اجتماعی که بدین گونه تعریف شده‌اند:

۱. امنیت فردی: آرامش و آسایشی که فرد بدون لحاظ امکانات جامعه برای خود فراهم

می‌کند.

۲. امنیت اجتماعی: آرامش و فراغت خاطری که هر جامعه مؤظف است برای اعضای خود

ایجاد کند و به طور معمول به امنیت شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی تقسیم می‌شود (رجبی‌پور، ۱۳۸۲: ۴۷).

از مهاجرت، بویژه مهاجرت از روستا به شهر به عنوان یکی از عوامل تهدیدکننده جدی امنیت عمومی نام می‌برند (محسنی، ۱۳۸۷: ۲۰۵). امنیت عمومی وضعیتی از تفوق نظم، قانون و رعایت عدالت در یک جامعه است که شهروندان در سایه آن، از تهدید و خطر در امان باشند و از نظر حفظ حقوق خود و رفع عوامل تعرض احتمالی اطمینان خاطر داشته باشند (فرخجسته،

۱۳۸۰: ۳۴۸). اساساً هرگونه رویدادی که ثبات، تعادل و انسجام جامعه را بر هم بزند تهدید امنیتی به حساب می‌آید (همان: ۲۰۰).

دورکیم بر این باور است که اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی قوی باشد اعضای آن احتمالاً با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می‌شوند، ولی چنانچه در جامعه‌ای این همبستگی ضعیف باشد ممکن است مردم به سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند (ستوده، ۱۳۱۹: ۱۳۸).

«به طور کلی هرچه پیوندهای قومی، مذهبی، اندیشه‌ای، نسلی، طبقاتی و سیاسی افراد یک ملت بیشتر باشد به همان میزان زمینه‌های برقراری امنیت بیشتر فراهم می‌شود. در جوامعی که این پیوندها ایجاد نشده و یا در مراحل آغازین می‌باشد نه‌تنها نمی‌توان صحبت از دستیابی به امنیت اطمینان‌بخش کرد بلکه خود این مسائل بخش اعظم موضوعات امنیتی این جوامع را تشکیل می‌دهد» (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۱: ۱۴۶).

از جمله جوامع مزبور، اجتماعات حاشیه‌نشین است. حاشیه‌نشینی شیوه‌ای نامناسب از تجمع انسانی است که خود علاوه بر آنکه عاری از ثبات و امنیت می‌باشد، در عین حال تهدیدکننده ثبات و امنیت جامعه نیز هست (لرنی، ۱۳۸۳: ۱۸۵). میزان فساد، جرم و جنایت و به طور کلی بی‌نظمی و ناامنی در مناطق حاشیه‌نشین زیاد است و دلیل آن هم ضعف تعلقات خانوادگی میان ساکنان این مناطق است (همان: ۲۱۴).

در اینجا است که مکانیسم‌های نظارت و کنترل اجتماعی برای ادامه موجودیت جامعه جنبه حیاتی دارد (ستوده، ۱۳۱۹: ۱۴۳). در واقع، کنترل اجتماعی بر اساس ضرورتی است که از طرف جامعه برانگیخته می‌شود و افراد را به منظور حفظ انتظام جامعه به قبول ارزش‌های اجتماعی و رعایت هنجارهای اجتماعی وادار می‌کند و در اجرای این امور، جامعه، نظام‌های پاداش و مجازات ویژه‌ای دارد (وثوقی و نیک‌خلق، ۱۳۲۰: ۲۰۱).

زندانی کردن و تحریم آزادی یکی از شیوه‌های مجازات خلافکاران و حمایت از شهروندان در برابر آنان است؛ اما اصل اساسی نظام زندان بهبود بخشیدن فرد به منظور ایفای نقش هماهنگ و مناسبی در جامعه است. اگرچه به نظر نمی‌رسد زندان‌ها در اصلاح زندانیان مؤفق بوده باشند، اما شرایط ناخوشایند زندگی در زندان ممکن است متخلفان بالقوه را از ارتکاب به جرم بازدارد.

درواقع، هرچه شرایط زندان کمتر سخت باشد زندانی کردن، اثر بازدارنده‌اش را بیشتر از دست می‌دهد (گیدنز، ۱۹۸۹: ۱۷۰ و ۱۷۱).

باید توجه داشت صرف وجود تنبیه و مجازات برای انتظام جامعه مکفی نخواهد بود. طبق دیدگاه جامعه‌شناسان، هیچ مکانیسم کنترل اجتماعی که تنها به تشویق‌ها و تنبیه‌های برونی متکی باشد مؤثر واقع نخواهد شد. مسئله اساسی این است که نظام فرهنگی جامعه باید چنان محیطی به وجود آورد که افراد به نظم اخلاقی درونی پایبند شوند (لنسکی، ۱۳۶۹: ۴۸).

صاحب‌نظرانی چون «تالکوت پارسونز»^۱ به جامعه‌ای جامعه بدون آسیب می‌گویند که امکانی برای برهم‌زدن هنجارها و ارزش‌ها وجود نداشته باشد و به طور طبیعی هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در افراد نهادینه شوند (آزاد ارمکی و مهری، ۱۳۷۷: ۳۷).

اسلام نیز به عنوان یک مکتب انسان‌ساز، فرد را چنان تربیت می‌کند که از جرم و گناه بیزار باشد. به همین دلیل احکام تربیتی و تعلیماتی اسلام، دقیق و فراوان است ولی قوانین جزایی آن زیاد و پرحجم نیست. در واقع احکام اسلامی بیشتر جنبه ارشادی یا رفاهی دارد (ستوده، ۱۳۱۹: ۱۴۴).

نگاهی اجمالی به کلانشهر کرج:

در بازه زمانی اوایل دهه ۱۳۰۰ تا دهه ۱۳۴۰ شهر کرج در پیرامون میدان کرج رشد و توسعه یافت و بسیاری از فضاهای اداری و انتظامی مانند اداره پست و تلگراف، بخشداری و شهربانی در آن ایجاد شدند.

مهمترین دلیل اهمیت میدان کرج در ساختار فضایی این شهر تلاقی جاده‌های تهران-چالوس و کرج-قزوین در این مکان است. همچنین در بازه زمانی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ می‌توان به ساخت آزادراه تهران-کرج در سال ۱۳۴۸ اشاره کرد که در توسعه شهر کرج نقش بسزایی داشته است.

با توجه به شمار بالای جمعیت مهاجر به شهر کرج و افزایش تقاضا به مسکن میان سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ رشد کالبدی در این دوره با سرعت بیشتری صورت گرفته است. انتخاب مکان

مناسب برای سکونت از نظر افراد مهاجر بر مبنای قیمت زمین و دسترسی به مسکن قابل استطاعت انجام شده است.

از دیگر عوامل تأثیرگذار، تأسیس استان البرز در سال ۱۳۸۹ و ایفای نقش شهر کرج به عنوان مرکز استان است. در این دوره به دلیل تمرکز فعالیت‌های اداری و ایجاد فعالیت‌های جدید بر اساس نقش جدید شهر کرج، میزان تراکم جمعیتی و فعالیتی افزایش یافت. بدین ترتیب به منظور پاسخگویی به نیازهای مسکن و خدمات ناشی از افزایش جمعیت، زمین و فضای لازم براساس استفاده از زمین‌های خالی درون شهر و افزایش تراکم ساختمانی در ساخت و سازها تأمین شد (زیاری و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۷۳).

نزدیکی شهرستان کرج به تهران، وجود خط متروی کرج- تهران، مرکز استان بودن کرج، دسترسی آسان کرج‌نشینان به تهران و بسیاری مسائل دیگر سبب شده است که کرج به بزرگترین شهر مسکونی ایران به نسبت دیگر بخش‌ها تبدیل شود (فتحی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۰۷). مهاجرت با انگیزه پیشرفت و ارتقای سطح زندگی در کنار وضعیت مساعد مهاجرپذیری شهر کرج به خیل عظیم مهاجرت‌ها به این شهر و اسکان در این محله منجر شده است (معارف‌بند و توفیق، ۱۳۹۳: ۱۳۹). بیشتر مهاجران از نظر اقتصادی قادر به تأمین مسکن در بخش رسمی شهر نیستند. وجود اراضی ارزان قیمت در نواحی حاشیه‌ای و روستاهای پیرامون کلانشهر کرج باعث شده است که مهاجران بدون برنامه قبلی به ایجاد خانه‌های غیررسمی و گسترش آن اقدام کنند (خوشبخت، ۱۳۸۵: ۵). جغرافیای انسانی شهر کرج در سطح کلان، بیانگر حضور اقوام مختلف با ویژگی‌های قومی، زبانی و فرهنگی خاص خود است. در سطح خرد نیز اصولاً مهاجران قومی قبل از سکونت در کلانشهرهایی همچون کرج یا در بافت جماعتی و معیشتی روستاها و یا در شبکه‌ای از روابط خویشاوندی، قومی و محلی در شهرهای کوچک زندگی کرده و بگونه‌ای احساس تشخص و هویت می‌کردند، اما این افراد بعد از مهاجرت به شهرهای بزرگ به یکباره خود را در محیطی متفاوت، باز و با تنوع هویتی یافتند (سیف‌اللهی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

کرج در چهار دهه اخیر بواسطه برخورداری از امکانات متنوع و استقرار بخش مهمی از کارخانجات و فعالیت‌های پایه‌ای در پیرامون خود بخش قابل توجهی از جمعیت مهاجر کشور را

در خود جای داده است (کاوایانی‌راد و عزیزی، ۱۳۹۳: ۷۹). بالا رفتن تراکم جمعیت در هر منطقه یا هر شهر سبب بالا رفتن تراکم در دیگر بخش‌ها خواهد شد که تشدید تهدیدهای مختلف را به دنبال خواهد داشت. بر این اساس از نظر متخصصین امر، بیشترین تهدیدات محیطی و زیست محیطی با سه رویکرد سیاسی، امنیتی و دفاعی در استان البرز متوجه شهرستان کرج است. این تهدیدات می‌تواند زمینه‌ساز بروز بحران‌های امنیتی و دفاعی شود. فشارها در محیط‌زیست زندگی انسان بویژه در شهرها باعث فشار بر زندگی انسان‌ها و سرانجام شکل‌گیری نارضایتی‌ها، اعتراضات و اعتصابات خواهد شد (فتحی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۸).

به موازات فاصله گرفتن از مناطق مرکزی و نزدیک شدن به مناطق حاشیه‌نشین کرج به دلیل افزایش جمعیت، افزایش بافت مسکونی نابسامان، اسکان غیررسمی و بدون برنامه و تعداد زیاد مهاجران، میزان ناهنجاری نیز افزایش می‌یابد (زنگی‌آبادی و رحیمی‌نادر، ۱۳۸۹: ۱۸۹). طبق بررسی‌های صورت گرفته اکثریت مجرمان در شهرستان کرج کسانی هستند که در محلی خارج از این شهر یا کشور متولد شده و سپس به تنهایی یا به اتفاق خانواده به این شهر مهاجرت کرده اند (همان: ۱۹۶).

یافته‌های تحقیق:

برآیند تحقیق حاضر طبق بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته این است که شهر کرج علی‌رغم تلاش مسئولان و کارگزاران مربوطه از داشتن یک ساختار منسجم و نظام‌مند به لحاظ فضای شهری، اقتصادی، صنعتی، فرهنگی و اجتماعی بی‌بهره است. این نمای ناخوشایند کرج بازخورد عواملی چون مهاجرت‌های بی‌رویه، رشد حاشیه‌نشینی و در نتیجه آن گسترش ناامنی و انواع مختلفی از جرم و بزهکاری است.

شایان ذکر است که هر کدام از عوامل نام برده، در پی مسائل و مشکلات دیگری که برخی از آنها به خارج از محدوده شهرستان کرج مربوط است به وجود آمده‌اند جدول زیر اشاره‌ای اجمالی به همین مسائل و مشکلات دارد:

جدول ۲: معضلات کرج

عوامل مؤثر	معضلات کرج
۱. کمبود امکانات ضروری و رفاهی در روستاها ۲. پیشرفت زندگی ماشینی و کاهش نیاز به نیروی انسانی در روستاها ۳. شرایط بد اقتصادی و رشد بیکاری در روستاها	مهاجرت‌های بی‌رویه
۱. گرانی مسکن و بالا بودن اجاره بهای آن در شهرها ۲. ارزانی مسکن و پایین بودن اجاره بهای آن در حاشیه شهرها ۳. فقر اقتصادی و نبود درآمد کافی	رشد حاشیه‌نشینی
۱. عدم تأمین نیازهای ضروری و رفاهی زندگی ۲. کمبود امکانات آموزشی و فرهنگی ۳. وجود چهار زندان بزرگ کشور در کرج	گسترش جرم و ناامنی

همانگونه که مشخص است میان عوامل یاد شده در جدول بالا ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ به طوری که یکی نتیجه دیگری است. اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی در روستاهای کشور از یک طرف و عدم حمایت کافی از تولیدکنندگان روستایی و پیشرفت تکنولوژی ماشینی بدون توجه به جمعیت و نیاز آنها به اشتغال و در پی آن بیکاری، سیل عظیمی از روستاییان را به شهرنشینی دعوت کرد.

پر واضح است که در طی فرار از معضلات یاد شده مهاجران روستایی با توجه به فقر اقتصادی و درآمد ناکافی‌شان، ناگزیر شهرها و مناطقی را برای سکونت برمی‌گزینند که پذیرای شرایط آنها باشد.

موقعیت کرج نیز به خاطر نزدیکی به پایتخت و دسترسی به حداقل امکانات شهری برای مهاجران روستایی در اولویت‌های ابتدایی قرار دارد. باعث بسی تأسّف است که با وجود این وضعیت، صاحبان مسکن، قیمت و بهای اجاره را با توجه به افزایش جمعیت و نرخ تقاضا بالا می‌برند که البته این خود معلول علل اقتصاد بیمار جامعه است. در نتیجه مهاجران نیز به‌ناچار

حواشی شهر را برای زندگی و سکونت انتخاب می‌کنند. خیلی دور از ذهن نیست زمانی که نیازهای اساسی افراد، خصوصا لوازم معیشتی، آموزشی و فرهنگی آنها در این نواحی تأمین نشود تدریجا به جرم و بزهکاری روی آورند.

درست است که کرج به دلیل مهاجرپذیری و رشد حاشیه‌نشینی با گسترش انواع جرائم روبه‌رو است، اما با کمی مذاقه معلوم می‌شود که کرج بیشتر قربانی قصور در شهرها و بویژه روستاهای کشور واقع شده است. این مظلومیت تا حدی است که تعداد زیادی از مجرمان سایر استان‌ها و شهرهای کشور به زندان‌های کرج منتقل می‌شوند و بدین ترتیب چهار زندان بزرگ کشور فقط در یک کلانشهر واقع شده است!!!

گذر از این بحران تنها منوط به ساخت و گسترش زندان در استان‌ها و شهرهای دیگر نیست، بلکه پیشتر باید با ریشه‌های بزهکاری در سطح کلان مبارزه کرد. اصل «پیشگیری بهتر از درمان است» در مسئله مزبور بخوبی خودنمایی می‌کند. همچنان که مردم شهرها و روستاهای مختلف، پاسخ مناسبی برای رفع مایحتاج اساسی خود نیابند جرم و بزه مانند علفی هرز رشد کرده و روبه همسو کردن جامعه با مقاصد شوم خود پیش می‌رود.

ناگفته نماند که راه مقابله با شیوع جرم و بزه و پاکسازی شهرها و روستاها از مجرمان و بزهکاران انتقال سرریز آنها به شهری مثل کرج نیست. باید توجه داشت که کرج نیز مانند شهرهای دیگر نیاز به یک فضای سالم شهری دارد تا شهروندانش فارغ از مشکلات یادشده در امنیت نسبی به کار و تلاش و زندگی و تعاملات سالم اجتماعی بپردازند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای راهبردی:

طبق بررسی‌های صورت گرفته، چنین به نظر می‌رسد که حل مشکلات مزبور در کرج تنها در دست مسئولان و مدیران این کلانشهر نمی‌باشد، بلکه می‌بایست ریشه‌های این معضلات را در نوع و کیفیت مدیریت روستاها و شهرهای دیگر جست. اما این حقیقت را نیز باید در نظر داشت که تا وقتی شهر کرج در صدد نیل به حقوق خود در موضع مقاومت و دفاع دیده نشود همچنان گرفتار مشکلات یاد شده خواهد بود.

برگزاری جلسات کارگروهی و نشست‌های شورای شهری به منظور بیان دغدغه‌های کرج و البته الگوریتم و راهکارهای مقابله با چالش‌های آن، می‌تواند گامی آگاهانه برای نیل به شهری

امن‌تر و آرام‌تر باشد. هرچند چنین اقدامی تکرار مکررات به نظر می‌آید، اما دست کم می‌تواند مدیران و مسئولان را به تأمل و امعان نظر بیشتری حول مشکلات مربوطه علی‌رغم همه پیچیدگی‌ها وادارد.

در این پژوهش برخی تمهیدات و راهبردهای کاربردی به قرار زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. حمایت بیشتر از تولیدکنندگان روستایی و خرید محصولات آنها با قیمت مناسب.
۲. ایجاد امکانات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و رفاهی بیشتر در روستاها و شهرستان‌ها.
۳. فرهنگسازی و آموزش مناسب جامعه برای هویت‌پذیری و زدودن این فرهنگ غلط که کسی پایتخت‌نشین و نزدیک به آن است یا به اصطلاح بچه شهرستان!
۴. بازنگری و کنترل دقیق‌تر در مورد رسانه‌های جمعی از جمله صدا و سیما برای ساخت و تدوین برنامه‌هایی برای ارتقای فرهنگ خودباوری و اصالت قومیت‌های مختلف برای زندگی در شهر و روستای خود.
۵. سخت‌گیری‌های بیشتر در قبال کمیسیون ماده صد شهرداری در قالب عدم صدور مجوز ساخت‌وساز در این مناطق و تخریب واحدهای مسکونی غیرمجاز.
۶. باید از اساس از پیدایش حاشیه‌نشینی پیشگیری کرد، اما وقتی به موجب یکسری سوءمدیریت‌ها و نبود امکانات کافی در روستاها و شهرستان‌های محروم، مهاجرت به مناطق حاشیه‌نشین صورت گرفت، می‌بایست همه دستگاه‌های مسئول سعی در ایجاد و توسعه امکانات شهری در این مناطق با سیاست احصاء حاشیه شهر جزو محدوده شهر داشته باشند.
۷. حمایت دولت از تولیدکنندگان داخلی و کارگران کارخانه‌ها برای رونق تولید و ارتقای وضعیت اقتصادی و معیشتی قشر ضعیف و کم‌درآمد.
۸. توقف و جلوگیری از تولید بی‌رویه خودرو برای کاهش آلاینده‌ها و ترافیک در سطح شهر.
۹. پیشبرد فرهنگ خودکنترلی با نمونه قرار دادن برخی جوامع پیشرفته و تلاش برای تقویت ایمان دینی مردم با تکیه بر عقل و منطق.
۱۰. فرهنگسازی و تشویق مردم برای استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی و نگاه منفی نسبت به سوار شدن خودروهای شخصی به عنوان مسافر برای کاهش نرخ بزهکاری.
۱۱. ایجاد مناطق و اماکن تفریحی و سرگرمی‌های سالم برای تخلیه هیجانات روحی جوانان.

۱۲. مشخص کردن وضعیت مالکیت اراضی و اماکن بلا تکلیف و فاقد مالک مشخص.
۱۳. اقدامات و تلاش جدی برای انتقال زندانیان غیربومی کرج به شهرهای خود و متعاقباً بازگشت خانواده‌های آنها به دیار خود.
۱۴. تشکیل کارگاه‌ها و کلاس‌های روان‌شناسی، آموزشی و کسب مهارت برای زندانیان به منظور ورود به جامعه به عنوان نیروی انسانی سالم و ماهرتر.
۱۵. کنترل و سرکشی‌های نامحسوس در هر از چند گاهی به بزهکاران خطرناکی که اخیراً از زندان آزاد شده‌اند.

منابع فارسی:

- آزاد ارمکی، تقی؛ مهری، بهار (۱۳۷۷). بررسی مسائل اجتماعی. تهران: مؤسسه نشر جهاد.
- احمدی، حبیب؛ عربی، علی (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای رابطه حاشیه‌نشینی و بزهکاری در مناطق حاشیه‌نشین و شهری کرج. فصلنامه دانش انتظامی البرز. سال چهارم. شماره دهم.
- امانی، مهدی و دیگران (۱۳۵۴). لغت‌نامه جمعیت‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پایگاه اطلاع‌رسانی استانداری البرز.
- تابناک. ۱۳۹۲/۴/۱
- خبرگزاری مهر. ۱۳۹۴/۲/۷
- خوشبخت فشتمی، نوشا (۱۳۸۵). بررسی اسکان غیررسمی در محور شرقی کمربندی کرج به منظور توانمندسازی حاشیه‌نشینان شهری با استفاده از GIS. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- رجیب‌پور، محمود (۱۳۸۲). درآمدی بر احساس امنیت در بستر امنیت عینی. فصلنامه دانش انتظامی. شماره دوم.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت. تهران: سمت.
- زنگی‌آبادی، علی؛ رحیمی‌نادر، حسین (۱۳۸۹). تحلیل فضایی جرم در شهر کرج با استفاده از GIS. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره دوم.
- زیاری، سمیه و دیگران (۱۳۹۶). الگوی تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد شهر کرج. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره چهارم.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۱۹). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). (چاپ هفتم: ۱۳۸۰). تهران: انتشارات آوای نور.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله و دیگران (۱۳۹۳). شکل‌گیری هویت قومی و ملی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در نزد ساکنان کرج. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. شماره اول.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی ایران. (چاپ دوم: ۱۳۸۶). تهران: نشر قطره.
- صالحی، فروزنده (۱۳۸۳). مبانی جمعیت‌شناسی. تهران: انتشارات صفار

- فتحی، امیر و دیگران (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل تهدیدهای سیاسی، امنیتی و دفاعی در استان البرز با رویکرد آمایش سرزمین. مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی. شماره سوم.
- فرخجسته، هوشنگ (۱۳۸۰). بررسی تاریخی ایستازها و ذهنیت‌ها در ایران (مجموعه مقالات امنیت عمومی و وحدت ملی). تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
- کاویانی‌راد، مراد؛ عزیزی، سعید (۱۳۹۳). تبیین اسکان غیررسمی از دیدگاه عدالت محیطی. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی. شماره دوم.
- کونن، بروس (۱۹۳۸). مبانی جامعه‌شناسی. (ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل). (چاپ پانزدهم: ۱۳۸۳). تهران: سمت.
- گیدنز، آنتونی (۱۹۸۹). جامعه‌شناسی. (ترجمه منوچهر صبوری). (چاپ چهاردهم: ۱۳۸۴). تهران: نشر نی.
- لرنی، منوچهر (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی امنیت. تهران: انتشارات پیام پویا.
- لنسکی، گرهارد و جین (۱۹۲۴). سیر جوامع بشری. (ترجمه ناصر موفقیان). تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی گرگان.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: انتشارات طهوری.
- مشهدی‌زاده، ناصر (۱۳۷۴). تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- معارف‌بند، فهیمه؛ توفیق، ابراهیم (۱۳۹۳). هویت قومی مهاجران و روند ادغام آنان در ساختار و مناسبات شهری. فصلنامه مسائل اجتماعی ایران. شماره اول.
- وئوقی، منصور؛ نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۲۰). مبانی جامعه‌شناسی (چاپ نهم: ۱۳۸۳). تهران: انتشارات بهینه.
- ولی‌پور زرومی، حسین (۱۳۸۱). درآمدی بر بنیادهای اجتماعی امنیت، فصلنامه راهبرد. شماره بیست و ششم. انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک

-Sharma, R.N. (1995). social control and social change meerut: Rajhans press

-Tio, A. (1998). Deviant Behavior. New York: Longman